

روح قدسي طبيعت

ضرورت احترام به طبيعت، ميراث گمشده انسان هاي عهد باستان براي فرزندان امروزي آنهاست...



ضرورت احترام به طبيعت، ميراث گمشده انسان هاي عهد باستان براي فرزندان امروزي آنهاست روح قدسي طبيعت

جام جم آنلاين: به دنيا آمدن انسان در طبيعت، رشد او در طبيعت و در نهايت بازگشت او به طبيعت اصلي بود که انسان هاي دوره باستان آن را درک مي کردند و زندگي خود را بر پايه آن بنا کرده بودند. انسان هاي باستان در رابطه اي مستقيم با طبيعت بودند. آنها خود را با اجزاي طبيعت يکسان مي پنداشتند.

زمين را مادر و آسمان را پدر خود مي دانستند. زمين نزد انسان هاي باستان نماد باروري و سخاوت بود. زمين آنها را مي پروراند. آسمان نيز پدر آنها بود و با بارش روي زمين، آن را باور مي کرد. در هندوستان باستان آسمان را ديوس پيتار به معنای پدر آسمان مي ناميدند. در آيين زرتشتي نيز اهورا به معنای آسمان آبي است. (ويل دورانت، 1367) باور به مادر زمين و پدر آسمان در بسياري از ادیان ابتدايي مانند آيين مصريان که در آن نخستين زوج نوت (آسمان) و گب (زمين) بود و همچنين در آيين شينتو در ژاپن که نخستين زوج ايزانامي (آسمان) و ايزانامي (زمين) بود، ديده مي شود. در کل، ازدواج زمين و آسمان باور اساسي اساطير را تشكيل مي دهد.

انسان هاي باستان براي ماه و خورشيد نيز احترام قائل بودند و خود را مسئول نگهداري و حفظ طبيعت مي دانستند.

مردمان باستان همچنين شهر خود را مرکز عالم مي دانستند و بر اين باور بودند که ستوني مقدس وجود دارد که نگهدارنده شهر آنهاست. بنا بر باور آنها، اگر اين ستون به هر علتی فرو مي افتاد، آسمان روي شهر آنها خراب مي شد. آنها راه شيري را نشانه اين ستون در آسمان و تيرک عبادتگاه شهر خود را نماد آن روي زمين مي دانستند. (الياده، ميرچا) ديگر اقوام بر آن بودند اين کوه ها هستند که ستون و نگهدارنده آسمان اند. از همين رو در برخي کشورها مانند ژاپن و چين بعضي کوه ها مقدس شمرده مي شدند. در الهيات زرتشتي نيز کوه دماوند از ارزشي بسيار والا برخوردار است.

برخي ديگر از مردمان باستان ستون نگهدارنده عالم را درختاني مي دانستند که جنبه قداست دارند. شايد امروزه باور به قداست درختان از بين رفته باشد، اما هنوز هم داستان هايي درباره درختان وجود دارد که نشان دهنده ارزش آنها نزد مردم بوده است. از آن نمونه مي توان به عهد عتيق اشاره کرد که در آن ذکر درخت زندگي و درخت معرفت آمده است. (سفر پيدايش، باب 4، آيه 34 و سفر پيدايش، باب 2، آيه 18) درخت زندگي نماد ستون مقدس يا ستون کيهاني است؛ درختي که جهان را تحت حمايت خود دارد و و پلي بين زمين، بهشت و عالم اموات به شمار مي رود.

درخت در باور اسطوره اي و ديني اکثر ملت ها نقش مهمي ايفا کرده است. اقوام مختلف شاهد زندگي، رشد و رستاخيز درختان در بهار و مرگ آنان در پاييز بوده اند. به عنوان مثال بوميان آمريکا شکست خود را در نتيجه از بين رفتن درختان توسط سفيدپوستان مي دانستند. در فرهنگ مسيحيت درخت کريسمس، در آيين بودايي درخت انجير و در ايران سرو و در آيين زرتشتي درخت همه تخمه از جمله درختان مقدس به شمار مي روند. در سنت اسلامي نيز به درختان بهشتي مانند طوبي و سدره المنتهي اشاره شده است. در برخي سنت ها به بعضي درختان خاص که اغلب بر سر مزارها و آرامگاه مي رويند و شکلي خاص دارند و غالبا کهن و چند صد ساله اند احترام گذارده مي شود. درخت کهنی که قرن ها زينت دهنده امامزاده صالح تهران بود، از همين نمونه است.

همچنين ديده شده است در برخي سنت ها هنگام بروز اتفاقات بزرگي همچون به دنيا آمدن کودک، ازدواج يا به سلطنت نشستن پادشاه درختي کاشته مي شد. داستان سرو کشمير که در شاهنامه و کتاب تاريخ بيهق آمده است، شاهدي بر اين مدعاست.

نکته: چندي است قداست آسمان و ستاره ها و سيارات آن براي آدمي از بين رفته است، ديدي است که انسان مدرن، شب هنگام در جستجوي ماه و ستاره هاي دنباله دار برنمي آيد و راه شيري نيز مدت ها است از حافظه او پاک شده است آسمان و اجزاي آن طبيعت فراموش شده بشر هستند

بايد دانست احداث محوطه هاي محصور پرورش گل و گياه از عهد هخامنشي و در منطقه پاسارگاد و شايد مدت ها قبل از آن در ايران سابقه داشته است. با رواج اسلام در ايران و ديگر کشورها شيوه طرح سنتي باغ ايراني به کشورهای ديگري همچون عربستان، اسپانيا (اندلس و کاخ الحمراء) و هند (تاج محل) نيز راه يافت. از طرفي نقش سرو روي پارچه، فرش و حتي نقش برجسته هاي هخامنشي نه تنها اين درخت سر سبز را نماد خلود و جاودانگي به تصوير مي کشد که سعي در حفظ درختان دارد.

بی‌اعتنایی انسان مدرن نسبت به طبیعت و جانداران آن صدمات جبران‌ناپذیری به طبیعت زده است. انسان مدرن برخلاف انسان باستانی که سعی در بقای طبیعت پیرامون خود داشت، خود را بی‌نیاز از طبیعت و حفظ آن می‌داند. او تصور می‌کند همه چیز در این دنیا فقط برای بقای او ساخته شده است.

انسان مدرن نه تنها زمین و هوا که فضا را نیز آلوده کرده است. چندی است قداست آسمان و ستاره‌ها و سیارات آن برای آدمی از بین رفته است. تا وقتی آدمی قدم به فضا نگذاشته بود، فضا برای او قداستی خاص داشت. اما هنگامی که او دریافت دو نیر اعظم و دیگر ثواب مکانی همانند زمین هستند و مواد تشکیل دهنده آنها با زمین یکسان است، ارزش و اعتبار آنها نزد او از بین رفت.

این چنین انسان مدرن که دریافت بود آسمان و فضا دیگر جایگاه فرشتگان نیست، ماهواره‌هایی به فضا فرستاد تا به وسیله آنها فضا را بیشتر بشناسد. اما افسوس که لاشه این ماهواره‌ها به زباله‌های فضایی تبدیل شدند؛ زباله‌هایی که دفع آنها برای بشر امروزی معضلی بزرگ است. دیری است که انسان مدرن، شب هنگام در جستجوی ماه و ستاره‌های دنباله‌دار بر نمی‌آید و راه شیری نیز مدت‌هاست از حافظه او پاک شده است. آسمان و اجزای آن طبیعت فراموش شده بشر هستند.

در این میان دین به یاری انسان مدرن آمد و به او گوشزد کرد آفریده شدن او مطابق صورت خداوند (پیامبر: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلِي صُورَتِهِ) به معنای احترام گذاردن به هموعان، موجودات و طبیعت بوده است. از این رو از دیرباز و حتی قبل از آن که تخریب زیست‌محیطی به این وسعت فراگیر شود، ادیان مختلف نسبت به حفظ محیط‌زیست خود را مسئول می‌دانستند. در دین اسلام بارها به حفظ و احترام به طبیعت اشاره شده است. در آیات قرآن ذکر شده است خداوند این جهان را بی‌هدف و تصادفی نساخته است. (سوره 23، آیه 115 و سوره 3، آیه 191) این دنیا بازتاب حقیقتی والا است. آیات بسیاری وجود دارد که خداوند در آنها به توصیف طبیعت پرداخته است. برخی سوره‌ها با مطلع قسم به عناصر طبیعت همچون قسم به صبح، به شب، به باد، به ماه، به خورشید، به آسمان آغاز می‌شود. از طرفی احترام به طبیعت در گفتار و کردار پیامبر(ص) و ائمه بخوبی مشهود است. کتاب مفاتیح الحیاه اثر آیت‌الله جوادی آملی نیز به دیدگاه پیامبر و ائمه در این باره می‌پردازد. در اینجا فرد مسلمان که وظیفه خلیفه الهی خود را می‌شناسد و می‌داند اشرف مخلوقات است، سعی در حفظ طبیعت دارد.

تلفیق سنت دینی حفظ طبیعت در دین زرتشتی با دیدگاهی که پیامبر(ص) و ائمه نسبت به آن داشتند، باعث گردیده امروزه نیز شاهد بقا و حفظ درختان کهن و عظیمی باشیم که در کنار چشمه سارها و زیارتگاه‌هایی از قبیل زیارتگاه کوهستانی پیر سبز در اردکان و یزد روئیده است.

علاوه بر موضعی که ادیان مختلف نسبت به حفظ محیط‌زیست اتخاذ کرده‌اند، گروه‌ها و نهضت‌هایی نیز به وجود آمدند که طرفدار محیط‌زیست بودند.

آدمی برای برقراری نسل خویش به طبیعت نیاز دارد. او باید به منظور حفظ طبیعت به چرخه غذایی موجودات که خود نیز یکی از آنهاست بیندیشد. از این رو آدمی اگر حتی خود را مسئول طبیعت نمی‌داند، حداقل نباید آن را نابود کند.

منابع در دفتر روزنامه موجود است

هما شهرام‌بخت / جام‌جم